



داریوش طلایی، متولد دماوند ۱۳۳۱، که با ورود به هنرستان موسیقی ملی و آموزش دوره‌ی مقدماتی تار و آثار علینقی وزیر را نزد هوشنگ ظریف، و آموزش تار را نزد استاد علی اکبر شهنازی ادامه داد و تأثیر فراوانی نیز از این استاد گرفت. در رشته موسیقی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و به عضویت مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایرانی درآمد. نزد استاد نور علی برومند، استاد فروتن، هرمزی و عبدالله دوامی با ظرایف موسیقی ایرانی آشنا شد. پس از سال‌ها اقامت در فرانسه و تدریس در دانشگاه‌های سوربن و واشنگتن به بیان ارزش و جایگاه موسیقی ایرانی پرداخت. از وی آثاری چون نگرشی نو به تئوری موسیقی ایرانی، کتاب ردیف میرزا عبدالله، نت نویسی آموزشی و تحلیلی، ۲۳ قطعه پیش درآمدها و رنگ‌های علی اکبر خان شهنازی و همچنین نوارها و اجرای ده‌ها کنسرت در ایران، رادیو فرانسه، اروپا و امریکا دیده‌ایم.

داریوش طلایی از همان زمان ورود به دانشگاه همواره بر آن بوده تا به ماهیت موسیقی ایرانی دست پیدا کند. اینکه اساساً موسیقی ایرانی چیست، و آیا می‌توان موسیقی ایرانی را متناسب با زندگی امروز کرد و انواع تازه‌ای از آن را ارائه داد. وی که با پسر آقا میرزا حسینقلی کار کرده بود، در عین حال با آثار وزیر و حتی با شیوه‌های جدید موسیقی ایرانی و غربی آشنا بود. طلایی همواره قصد داشته است به پرسش‌های متعدد در باب موسیقی ایرانی نظم دهد تا به نتیجه‌ای کاربردی در هنر موسیقی برسد.

به نظر طلایی موسیقی مقوله‌ای زنده و حسی است و از روی متن‌های قدیمی و روایت برجای مانده نمی‌توان ماهیت زنده و حسی موسیقی قدیم را درک کرد. شاید همین انبوه پرسش‌ها درباره‌ی موسیقی ایران و دیدگاه‌های متفاوت موجود درباره‌ی این موسیقی در داخل او را به فرانسه کشاند تا بتواند پاسخ‌هایی برای پرسش‌هایش بیابد. وی درباره ایجاد تحول در موسیقی ایرانی، در عین حفظ هویت آن، در پی تئوری تازه‌ای بوده که ساده و از همه مهم‌تر از درون همین موسیقی بیرون آمده باشد با دیدگاه‌هایی همگون با فرهنگ‌های هم‌ریشه‌ی اطرافش. کتاب نگرشی به تئوری موسیقی ایرانی، و نت نویسی آموزشی و تحلیلی ردیف موسیقی ایرانی براساس همین نظر شکل گرفت.

داریوش طلایی معتقد است بالاترین مرحله‌ی موسیقی، خود موسیقی است و ارتباطی که با انسان‌ها برقرار می‌کند. موسیقی در این مرحله، موسیقی نامیده می‌شود و همین تفکر است که طلایی را هیچ‌گاه جدا از کار عملی و اجرایی موسیقی نکرده است.

وی حوزه‌های مختلف موسیقی را از یکدیگر جدا می‌داند. موسیقی سنتی و تجربی را در جایگاه خودشان قرار می‌دهد. و به همین علت است که در عین حال که تمام ردیف میرزا عبدالله را به صورت سنتی و اصیل اجرا می‌کند، بر آن است تا تجربه‌هایی در باده نوازی و شیوه‌های گوناگون آن داشته باشد. او به درستی معتقد است که در اجرای موسیقی اصیل ایرانی باید تکلیف را با خواننده روشن کرد، که کار سنتی است و مبنای آن ردیف دستگاهی موسیقی ایران، و زمانی که یک تجربه‌ی جدید ارائه می‌دهد، نه بر مبنای سنتی است که مبنای تجربی دارد. اما در کل شناخت طلایی از موسیقی ایرانی شناختی سنتی است که می‌تواند آن را به عنوان موسیقی ایرانی اجرا کند.

کتاب حاضر که تحت عنوان گفت وگو با داریوش طلایی درباره‌ی موسیقی ایران به چاپ رسیده است، بخشی از مجموعه‌ای است با عنوان درباره‌ی موسیقی ایران که در اواخر دهه‌ی چهل و اوایل دهه‌ی پنجاه خورشیدی با چند تن از چهره‌های شاخص و تربیت یافته‌ی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران و دپارتمان

موسیقی دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران صورت گرفته است. همان گونه که در مقدمه کتاب اشاره می‌شود:

به زعم آنانی که در حوزه‌ی تاریخ و مباحث نظری موسیقی ایران صاحب نظرند این نسل بیشترین اثر را بر جریان فعلی موسیقی ایران به ویژه در جایگاه‌های اجرایی - مشورتی، آموزشی - اداری مربوط به موسیقی بر جای گذاشته‌اند. اینان حلقه‌ی میانی زنجیری هستند که ظاهراً موسیقی دانان نسل قدیم و جدید ایران را به هم پیوند داده‌اند.

گفت وگوها از جمله گفت وگو با داریوش طلایی، منعکس کننده‌ی آرا و دیدگاه‌های این نسل است. هر چند از زمان گفت وگوها، شش سال می‌گذرد، اما به لحاظ ارائه‌ی آرا کلی و دیدگاه‌های نظری، چون تغییر زیادی نشان نداده، همچنان کارکردهای ارجاعی خود را حفظ کرده است. داریوش طلایی در ارتباط با تحول و مفهوم آن درباره‌ی موسیقی معتقد است: ما در موسیقی بحران داریم چرا که از یک سو می‌گوییم چرا موسیقی ما باید این گونه باشد و چرا به موسیقی جهانی نمی‌پیوندیم و از طرف دیگر به این موسیقی وابستگی عاطفی داریم و حتی به کرات خواسته‌ایم آن را از بین ببریم، اما نشده است. وی سپس ادامه می‌دهد که:

بحث همان بحث یک بعدی بودن است، یعنی ما می‌خواهیم بگوییم فقط این موسیقی باشد و یا نباشد و این یک بعدی بودن است. اما ما می‌توانیم موسیقی این سرزمین را با ساختارها و بینش تازه حفظ کنیم و وارد این سیستم جدید بکنیم. از طرف دیگر فرهنگ‌های دیگر را فراموش نکنیم و آنها را بشناسیم. البته این مربوط به مسئله‌ی شناخت، انتخاب و برنامه‌ریزی است و نمی‌توان پاسخ دقیقی به آن داد.

به نظر داریوش طلایی تحول دستیابی ندارد، انجام می‌شود و صورت می‌پذیرد. تنها انسان با این تحول باید آگاهانه برخورد کند و اگر شعور داشته باشد در این تحول انتخاب می‌کند؛ ارزش‌های خوبش را نگه می‌دارد و ناهنجاری‌های آن را کنار می‌گذارد، ارزش‌های خوب را می‌پذیرد و بینش بد را نمی‌پذیرد. وی پشتوانه تحول را گذشته و تاریخ می‌داند. تحول را به عنوان یک مقصد نمی‌بیند، حرکتی است که پیش می‌آید و جریان تازه‌ای است که شکل می‌گیرد.

طلایی در پاسخ به این پرسش که موسیقی امروز ایران را بر چه مبنایی می‌داند، موسیقی ایرانی را صد در صد علمی معرفی می‌کند که ساختار زیربنا و اسکلت بندی آن کاملاً علمی است و بر مبنای دانگ‌هایی است که با هم مرتبط و دوره‌هایی را می‌سازند که این دوره‌ها بر مبنای قانونمندی مشخص شکل گرفته است. اینکه مجموعه این مباحث ثبت نشده و به صورت شفاهی به ما رسیده‌اند دلالت بر بی‌قانونی آن نمی‌کند. امروزه این قانونمندی شناخته شده و تدریس می‌شود.

او معتقد است تئوری که برای موسیقی ایرانی نوشته است با بینش کاربرد علمی آن صورت گرفته است، یعنی مشخصاتی دارد که فراگیرنده آن حتی اگر ایرانی نباشد بتواند بر مبنای آن موسیقی‌ای بسازد که ایرانی باشد.

به نظر طلایی مشکل تاریخی موسیقی ما سازمان نیافته بودن موسیقی در ایران و وجود یک سازمان سیاست‌گذار کلان موسیقی و از طرفی پراکنده و مهاجور و منزوی بودن آن است.

در ایران انواع موسیقی از هم تفکیک نمی‌شود، هر موسیقی جایگاه خودش را دارد. باید بدانیم که موسیقی یک موضوع تخصصی است.